

مطالعه تحلیلی معارف دعای افتتاح با تأکید بر معارف اعتقادی - اجتماعی

عصمت شهبازیان موخر^۱، محمد مهدی کریمی نیا^۲، مجتبی انصاری مقدم^۳

^۱ سطح ۲، مدرسه علمیه حضرت رقیه (سلام الله علیها)، رامهرمز (نویسنده مسئول)
^۲ استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، طلبه و پژوهشگر حوزه علمیه قم
^۳ دانشجوی دکتری علوم و حدیث، دانشگاه میبد، مدرس دانشگاه و پژوهشگر

چکیده

یکی از ادعیه معروفی که مستحب است در هر شب از ماه مبارک رمضان خوانده شود دعای افتتاح است که دارای مضامین عالی و بلندی می باشد؛ و گنجینه ای است از معارف توحیدی و خدانشناسی که در آن صفات جمال و جلال پروردگار و تدبیر و تصرف حق تعالی در عالم خلق ذکر شده است. هدف در مقاله تحلیل و بررسی معارف دعای افتتاح در قالب محور اعتقادی، محور اجتماعی، محور مسائل اخلاقی و برنامه های حکومت جهانی بوده است. مطالب این مقاله از طریق دروس کتابخانه ای گردآوری شده است. یکی از مهم ترین دستاوردهای تحقیق این بوده است که بهترین قالب ارتباطی میان انسان و معبود خود که قالب دعا و نیایش است در دعای افتتاح به چشم میخورد و دعای افتتاح این ارتباط را به خوبی رقم می زند.

واژه های کلیدی: دعا، دعای افتتاح، مضامین دعای افتتاح، معارف دعای افتتاح.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

دعای افتتاح یکی از دعاهایی است که دارای مضامین عالی و بلند می باشد و در هر شب از ماه رمضان مستحب است که خوانده شود.

اهمیت بررسی این تحقیق به این است که چون این دعا مستحب است که در ماه مبارک رمضان خوانده شود پس انسان می باید با مضامین و معارف این دعا آشنا باشد تا بتواند به وسیله ی این دعا به تعالی برسد. این دعا از دوران غیبت صغری در زمان نایب امام زمان محمدبن عثمان بوده و در آزمان به وسیله ی آن حضرت به ایشان تعلیم داده هشده است.

در مورد دعای افتتاح تحقیقاتی نگاشته شده که از جمله ی آنها شرح دعای افتتاح با بیان منابع دعای افتتاح، امامت و معرفت و ... از سروش محلاتی است ولی ما در این مقاله می خواهیم معارف دعای افتتاح را بررسی کنیم.

۱. معارف دعای افتتاح در محور اعتقادی

۱-۱ توحید ذاتی

توحید ذاتی دو معنا دارد: الف) بساطت ذات (ب) یگانه بودن (بی انبار و همانند بودن) « الحمد لله الذی لم یتخذ صاحبه ولا ولدا ولم یکن له شریک فی الملک؛ ستایش خاص خدایی است که نگیرد همسری و نه فرزندی و نیست به رأیش شریکی در فرمانروایی.

الف. بساطت ذات

بساطت ذات یعنی آن که خداوند متعال حقیقتی بسیط و مطلق است. بدون آنکه از اجزا و اعضا و عناصر گوناگون ترکیب شده باشد. یعنی وحدتش وحدت حقیقی است نه اعتباری مانند ممکنات و مخلوقات که در اعتبار واحدند ولی در واقع از عناصر گوناگون و از وجود ماهیت ترکیب یافته اند.

از این رو او را « صمد» و « واحد» گویند: « قل هو اله احد اله صمد» یعنی او بی نیاز و خالی از ترکیب فعل و انفعالات عنصری و مادی است از این رو تولید و توالد زن و فرزند او شایسته «: لم یلد و لم یولد»؛ زیرا موجودات همه افریده اویند. نه فرزندان و موالید او در مقام ایجاد و ابداع و اعطا نه از او چه بر او چیزی افزوده می شود.

ب. یگانه بودن

و اما معنای دوم برا توحید ذاتی : یگانه بودن ذات اقدس خداوند است یعنی او را شریک و همانندی نیست که با او برابر بوده و در تمام جهات با او یکسان باشد چه آنچه برای موجود مطلق و بی نهایت دومی امکان ندارد زیرا بی نهایت مرزی نداری که موجودی دیگر همانند او و در کنار او هم مرز او بوده و در عین حال از او ممتاز باشد. بدیهی است که بی نهایت به معنای بی مرز است و فرض مرز برای او به مثابه جمع نقیضین است.

۲-۱ توحید صفاتی

« و اشد المعاقبین فی موضع النکال و النقمه»؛ ولی سخت ترین کیفر کننده ای در جای شکنجه و انتقام.

توحید صفاتی یعنی درک و شناسایی ذات حق به یگانگی عینی با صفات و یگانگی صفات با یکدیگر. توحید صفاتی به معنای نفی هر گونه کثرت و ترکیب در خود ذات است. ذات خداوند در عین اینکه به اوصاف کمالی متصف است، دارای جنبه های مختلف عینی نیست. توحید صفاتی مانند توحید ذاتی از اصول معارف اسلامی و از عالی ترین و پر اوج ترین اندیشه های بشری است که بطور خاص در مکتب تشیع تبلور یافته است.

صفات به دو دسته تقسیم می شوند

الف: صفات ذات (صفات جمالیه)

صفاتی هستند که برای به وجود آمدن آنها، وجود داشتن ذات، کافی است. مقصود از صفات ذاتی آن است که ذات خداوند به آن متصف می شود، صفاتی است که از کمال حکایت دارد مثل اینکه خداوند عالم و قادر است. به تعبیر دیگر: خداوند، صفات جمال دارد. صفات جمال حکایت از کمال ذات دارد و ذات خدا به آنها وصف میشود.

ب: صفات فعل (صفات سلبيه)

« فی موضع النکال و النقمه»؛ صفات فعل حق تعالی، صفاتی هستند که با فرض وجود مخلوقات، به وجود می آیند و البته بر محور حکمت خدای متعال به گردش در می آیند و در غیر جایگاه خود نمایان نمی شوند.

۱-۳ توحید افعال (توحید در صفات فعل)

« الحمد لله الفشی فی خلق امره و حمده الظاهر بالکرم بمجدده»؛ ستایش خاص خدایی است که هویداست در میان خلق کارش و ستایشش و آشکار است به بزرگواری شوکتش. توحید افعالی آن است که علاوه بر الوهیت و خالقیت ربوبیت را نیز تنها از آن او بدانیم. یعنی چنانچه خداوند در ذات یگانه است. در ربوبیت نیز یگانه است. یعنی در خلق و امر او را شریکی نیست و هیچ کاری بدون اراده و خواست او انجام نمی پذیرد و هیچ موثری و هیچ تدبیری به جز اراده و تدبیر او کار ساز نیست. و هر که هر چه دارد از اوست و تا او نخواهد برگی از درختی نمی افتد و هیچ رطب و یابس (تر و خشک) نیست جز آن در علم الهی و کتاب مبین الهی مضبوط است.

۲- معارف دعای افتتاح در محور اجتماعی

۱-۲ احیا و گسترش امر به معروف و نهی از منکر

۱. عبدالهیی، خداشناسی، ص ۹۹.

۲. قرائتی، شرح دعای افتتاح، ص ۱۸.

۳. سبحانی، سیمای عقاید شیعه، ص ۶۴.

در حکومت جهانی امام مهدی (علیه السلام) بزرگ امر به معروف و نهی از منکر به صورت گسترده به اجرا گذاشته خواهد شد؛ همان واجبی قرآن کریم برآن تاکید ورزیده و آن را از ویژگی های امت اسلامی به عنوان برگزیده امت ها شمرده است. همان امری که سبب آن، همه واجبات الهی اقامه می شود و وا گذاشتن آن عامل اساسی در هلاکت و نابودی خوبی ها و رشد و گسترش بدی ها در اجتماعات بوده است.

از بهترین و والاترین مراتب امر به معروف و نهی از منکر آن است که رئیس حکومت و کار گزاران آن، امر کننده به خوبی ها و باز دارنده از زشتی ها باشند.

امام باقر (علیه السلام): «المهدی و اصحابه. .. یامرون بالمعروف و ینهون عن المنکر»؛ مهدی و یاران او ... امر به معروف و نهی از منکر می کنند.

۴

۲-۲ عزت اسلام و مسلمین: «تعز بها الاسلام وأهله»

عصر ظهور، عصر علو اسلام و عزت مسلمان به ویژه شیعیان خواهد بود. در این حکومت اهل نفاق خوار و ذلیل شده و در موضع ضعف و تحت فشار قرار می گیرند که با قیام جهانی امام مهدی (عج الله تعالی فرجه الشریف)، شیعه عزیز و محبوب گشته و از اقتدار بی نظیری برخوردار می گردد و زمان سرافرازی و حاکمیت او فرا می رسد.

آیات و روایات نیز گویای همین مطلب است. چنان که خداوند در قرآن میفرماید: «له العزه و لرسوله و للمومنین»؛ عزت مخصوص خدا و رسول او و اهل ایمان است.

هم چنین امام صادق (علیه السلام) می فرمایند: «یکون شیعتنا فی دولة القایم سنم الارض و حکامها یعطی کل رجل منهم قوه أربعین رجلا»؛ شیعیان ما در حکومت قایم بزرگان و حاکمان زمینند که به هر مردی از آن ها قدرت چهل مرد داده می شود.

روایت: «الاسلام یعلو ولا یعلی علیه»؛ اسلام برتری می یابد و چیزی بر آن برتری نیز مبین این مطب است.

۲-۳ ذلت نفاق و منافق: «وتذل الاسلام وبهالنفاق»

هنگام حکومت مهدی (عج الله تعالی فرجه الشریف) حکومت جباران و مستکبران و نفوذ سیاسی منافقان و خائنان نابود گردد شهر مکه قبله مسلمین مرکز حرکت انقلابی مهدی شود.

نخستین افراد قیام او در آن شهر گرد آیند در آنجا به او بپیوندند مهدی (عج الله تعالی فرجه الشریف) به نفوذ یهود و مسیحیت در جهان خاتمه دهد.

از غار انطاکیه تابوت سکینه را بیرون آورد نسخه اصل تورات و انجیل در آن است. و بدین گونه در میان اهل تورات با تورات در میان اهل انجیل با انجیل حکومت کنند و آنان را به متابعت خویش فرا خواند. برخی به او بگروند. و با دیگران جنگ کنند و هیچ صاحب قدرتی و صاحب مقامی و هیچ صاحب مرامی. چه از اهل کتاب و چه از دگر مسک ها و مرام ها. باقی نماندن و دگر هیچ سیاستی و حکومتی جز حکومت حق اسلامی و سیاست عادلانه قرآنی در جهان جریان نیابد.

۴. بالادستیان، یوسفیان، درسنامه دوره عمومی معارف مهدویت نگین آفرینش (۱)، ص ۲۰۲.

بدین گونه حکومت مهدی شرقی و غربی عالم را فرا گیرد عیسی (علیه السلام) از آسمان فرو دیده و پشت سر مهدی (عج) الله تعالی فرجه الشریف) نماز گزارد و فریاد زند که. در بیت المقدس را باز کنید در را باز کنید. در این میان دجال با هفتاد هزار یهودی مسلح پدیدار می شود: و چون عیسی آهنگ کشتن دجال کند دجال بگریزد. عیسی بگوید من تو را با یک ضربه بکشم و چنین شود و او را بگیرد و بکشد و یهودیان در گوشه و کنار در پناه هر سنگ و درخت جانور و چیز دیگری پنهان شود.

اما همه چیز به سخنی و بانگ بردارد ای بنده مسلمان خدا این جا یک یهودی هست بیا او را بکش و این چنین جهان از وجود یهودیان پاک گردد. آری چون مهدی (عج) الله تعالی فرجه الشریف) قیام کند زمینی نماند مگر اینکه در آنجا گلبانگ مهدی «اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمدا رسول الله ...» بلند گردد.

۲-۴ برطرف شدن اختلافات و برقراری عدالت با آمدن امام زمان (عج) الله تعالی فرجه الشریف)

امام (علیه السلام) از زبان خود و اهل ایمان به وسیله خود تقاضای رفع اختلاف در امر حق و حقیقت را ذکر کرده است. در حالی که این امر جز برنامه قیام مقدس او است. و اگر به اوضاع کنونی جهان هم توجه داشته باشیم استجاب این دعا هم در وضع موجود برای اهل ایمان بی اثر نیست، که از خدای تعالی خسته شود؛ اختلافاتی که هم اکنون میان دول و ملل اسلامی و حتی بین فرق مختلف از هر جهت موجود است مرتفع شده و اتحاد و اتفاق برقرار گردد.

ولی با ارتباط مستقیمی که در سیاق کلام با آیات قرآنی مشاهده می شود، هیچ شکی نمی ماند، که ایراد بیانات گویا اعلام برنامه قیام ملی امام (علیه السلام) است، هم چنان که عرض می کند، «و اهدنا به لما اختلف فيه من الحق باذنک»؛ که برگشت ضمیر را به وجود مقدس خود داده، و همان طور که قبلاً مطالبی در این مورد گذشت این رفع اختلاف باید به وسیله امام (علیه السلام) انجام پذیرد. چون این امر میسر نیست مگر آنکه یا در حال کنونی دوران غیبت باید متوسل به آن بزرگوار شد، یا آنکه در هنگام قیام به امر خدای تعالی خود وسیله ایجاد انقلاب شده تمام اختلافات را مرتفع سازد (و مصداق معنی دوم آشکارتر است) از آن جهت که تطبیق آن با آیه مورد ارتباط در نهایت وضوح است.

هم چنان که قرآن مجید از داستان های اختلاف امت های گذشته از اهل کتاب خبر می دهد که با وجود آن که حجت های هویدا و معجزات روشن بر آشکار شده بود، باز ایجاد اختلاف کرده و کلمات الهی را تحویل و تبدیل می نمودند پس خدای تعالی راهنمایی کرد اهل ایمان را بر اختلاف هایی که میان ایشان بود هم چنان که می فرماید: «فهدی الله الذین آمنوا لما اختلفوا فيه من الحق باذنه والله یهدی من یشاء الی صراط مستقیم»؛ اشاره بر اینکه: پس راهنمایی کرد خدا به اذن خود آن هایی را که ایمان آوردند از چیزی که مورد اختلاف آن ها در امر حق و راست و درست بود، یعنی حق تعالی اهل ایمان را به حقی که (مخلف فيه) بود امر و لطف خود راهنمایی کرد، و خدا راه می نماید به توفیق خود هر که را خواهد به سوی راه راست که سالک آن هرگز گمراه نشود.

حال با توجه به بیانات امام (علیه السلام) در بند مورد شرح و ارتباط آن به این آیه شریفه که در واقع اصل آیه را با جزی تغییرات لفظی اقتباس فرموده و به قالب دعا در آورده است خواهیم دریافت که اشاره کلام بر این است، دامنه اختلاف خلق جهان تا زمان ظهور امام (عج) الله تعالی فرجه الشریف) گسترده است، و آنگاه که مشیت الهی تعلق گیرد فرمان رفع اختلاف به

۵. حکیمی، خورشید مغرب، ص ۳۲.

وسيله آن بزرگوار صادر شده و تمام اختلافات در میان خلق عالم برطرف خواهد گردید، و آن وقت است که همه به سوی راه راست (صراط مستقیم) هدایت خواهند شد.

۶

۳- معارف دعای افتتاح در محور مسائل اخلاقی

۳-۱ شیوه حمد و ثنا الهی

«اللهم إني افتتح الثناء بحمدك» خدایا من افتتاح می کنم ثنا را حمد تو . ثنا ستودن، ثنا گفتن، تمجید کردن، ستایش

۷

نمودن.

حمد: ستایش، ثنا گویی. ستودن. راغب در مفردات گوید: حمد خدا به معنی ثنا گویی اوست در مقابل فضیلت. حمد از مدح اخص و از شکر اعم است، زیرا مدح در مقابل اختیاری و غیر اختیاری می شود.

من می خواهم افتتاح کنم ثنا و تمجید و تعریف را، شروع کنم تعریف و تمجید کردن از حکمت های تو، از آلاء تو، از اسماء تو، از صفات تو، از نعمت هایی که به ما دادی، از نعمت ها و پریشانی هایی که برداشتی، از دستگیری هایی را که در هر بار از ما کردی؛ که همین ها در مضامین این دعا آمد. و تعریف و تمجید کنم از پیغمبر تو، از معصومین، از ائمه؛ که در این دعا آمد.

اما افتتاح تمامی ثنا را من به حمد تو می کنم، اول تو را می ستایم، زیرا که اگر حمد تونباشد تمام ثنایی که من می خواهم بکنم، هدر است؛ چون از هر موجودی بخواهم تعریف کنم و هر کس را بخواهم تمجید کنم آن ستودن منوط است به ستودن تو حمد و ستایش تو چون تو دارای جمالی و تمام خیرات و برکات از تو ناشی می شود، تمام جمال ها از جمال تو منشعب می شود، تمام کمال ها از کمال تو نازل می شود؛ بنا براین من هر ثنای را بخواهم بکنم اگر منوط و مربوط به حمد تو نباشد، آن ثنا لغو و عبث است، و آن ثنایی جوهر دار و آبدار است که به حمد تو متصل و مربوط باشد. بنابراین من در این دعا اول به حمد و ثنا تو افتتاح می کنم دعا و ستایش هایی را که می خواهم بکنم، و مناجات ها و تعریف هایی را که می خواهم بکنم.

۹

۳-۲ توفیق عبادت از جانب خداست.

« و انت مسدد للصواب بمنک»؛ و تویی که با نعمت و احسانت توفیق راهیابی به حق و صواب را عطا می فرمائی.

صواب یعنی: حق و درستی بر دو وجه است:

اول: گفته می شود هزار صواب است به اعتبار اینکه فی نفسه پسندیده و مطلوب عقل و شرع باشد.

۶. زمردیان، بیان حقیقت، صص ۴۲۸-۴۲۹.

۷. غفرانی، قاموس عصری، ص ۲۴۰.

۸. قرشی، قاموس قرآن، ج ۱ و ۲، ص ۱۷۲.

۹. حسینی تهرانی، شرح فقرانی از دعای افتتاح، ص ۲۴.

دوم: که این معنا به اعتبار مال قصد کننده که آیا به منظور و هدف خود رسیده است یا خیر. مثلاً وقتی گفته می شود اصاباً کذا: یعنی آنچه را مقصودش بوده به دست آورد. « و اصاب اللهم»؛ تیر قرعه به او رسید و این قسم خود بر چند قسم دیگری می باشد.

توفیق یعنی چه؟

توفیق یعنی فراهم شدن اسباب. امیر المومنین علی (علیه السلام فرمود): «التوفیق عنایه الرحمن»؛ توفیق عنایت خداوند رحمن است.

آیت الله جوادی آملی می گویند: مرحوم علامه طباطبایی هر جا سخن از بحث تفسیر می شد، مرتب آیه را می خواند و تفسیرش را بیان می نمود. اگر گوشه ای از قرآن در شخصی ظهور پیدا کرد و آن شخص هم امین وحی خدا و در محضر قرآن بود، مشمول وعده خداوند می شود. ایشان تلاش می کردن که با ابزار عقل در محضر قران و سنت باشد، مواظب بود که هر غذایی را نخورد، هر کتابی را مطالعه نکند، هر درسی را نگویی و هر حرفی را گوش ندهد.

در روایات توفیق بدون تلاش و کوشش وجود ندارد، به این معنا که خداوند توفیق دهد و ما کوشش نداشته باشیم. تلاش و کوشش انسان، بدون توفیق نیز معنا ندارد و به سامان نمیرسی. امام (علیه السلام) فرمودند: «و من سأل الله التوفیق و لم یجتهد فقد استهزاء بنفسه»؛ هر کس از خدا توفیق بخواهد و تلاش ننماید خود را مسخره کرده است.

داشتن توفیق اولین ویژگی مومن است اگر میخواهیم ببینیم که خدا از ما راضی است باید به قلب خودمان مراجعه بکنیم، اگر دیدیم که ما از خدا راضی هستیم، پس متوجه خواهیم شد که خدا نیز از ما راضی است.

امام جوادی (علیه السلام) در روایتی می فرمایند: که مومن باید سه خصلت داشته باشد، که نخستین آن توفیق از سوی خدا است، یعنی آدمی که در کردار و اعمال و ... توفیق الهی نداشته باشند، به درد نمی خورند و دومین و سومین خصلت نیز داشتن واعظ درونی و پذیرفتن نصیحت دیگران است.

به واسطه توفیق الهی، مسیره های سعادت در دنیا و آخرت برای انسان همواره می گردد، پرهیز از گناهان سبب می شود که توفیقات الهی متوجه انسان شود.

مرحوم محدث قمی در کتاب کنی واللقاب نقل می کند که سبب توفیق یافتن «بشر حافی» برای توبه این بود که وی روزی در راه قطعه کاغذی یافت که در آن «بسم الله الرحمن الرحیم» نوشته شده بود و ناخواه پامال می شود، بشر برای احترام به اسم خدا آن را برداشت و پاکیزه کرد و در جای مناسبی قرار داد و این امر سبب هدایت و توبه او شد.

۳-۳ ظهور صفت عفو و رحمت

« و ایقنت أنك انت ارحم الراحمین فی موضع العفو الرحمة»؛ و به یقین می دانم که تو در جای رحمت و گذشت، رحم کننده ترین رحم کنندگانی.

۱ . راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن کریم، ص ۴۵۷ .

۱ . تمیمی آمدی، تصنیف غررالحکم و دررالحکم، ج ۱ .

این جمله، یاد آور رحمت واسعه الهی و مهربانی بی دریغ خداوند است و مفاد آن این است که هیچ رحم کننده ای به پایه ذات لایزال تو نمی رسد و رحمت ها و مهربانی های مردم هرگز قابل مقایسه با رحمت بی کران پروردگار متعال نیست. خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید: «کتب ربکم علی نفسه الرحمه»؛ و نوید ده که خدای پر مهر، بخشایش و رحمت بر بندگان را به خود مقرر فرموده است. در آیه شریفه واژه «کتب» به کار رفته، و تعبیر به نوشتن شده است و روشن است که خدا نمی نویسد و منظور از آن، مقرر دانستن و حفظ این شیوه و سنت است، چرا که در میان مردم چیزی را که باید بماند یادداشت می کنند، و آیه بدینسان نشانگر این واقعیت است که مهر و رحمت خدا بر شایستگان یک اصل ماندگار و یک سنت الهی است.

پاره ای نیز بر آنند که در لوح محفوظ این واقعیت را نوشته است. و همچنین در آیه ۱۵۶ سوره اعراف که می فرماید: «و رحمتی وسعت کل شیء»؛ در این فراز دیدگاه ها یکسان نیست:

۱. به باور «حسن» و و قتاده این است که رحمت خدا در این جهان شامل حال مردم شایسته کردار و گناهکار می گردد و هر دو از رحمت او بهره ور خواهند شد.

۲. اما به باور «عطیه» منظور این است که این درست است که رحمت خدا گسترده است و همه چیز را فرا گرفته، اما تنها پروا پیشگان هستند که از رحمت او برخوردار می گردند؛ چرا که گرایان در سرا به برکت وجود توحید گرایان در آسایشند؛ درست بسان کسی که از نور و روشنایی مشعل دیگری بهره ور می گردند.

۳. از دیدگاه پاره ای منظور این است که اگر همه پدیده ها و تمامی انسان ها به دریای بی کران رحمت خدا در آیند همه آنان را فرا میگیرد اما کسانی هستند که به سرگشتگی و گمراهی تن می سپارند و به سوی رحمت و بخشایش و مهر خدا روی نمی آورند.

روایت است که پیامبر گرامی نماز می خواند که مردی از صحرائشینان گفت: «اللهم ارحمینی و محمدا ولا ترحم معنا احدا»؛ بار خدایا، تنها به من و پیام آور محمد مهر و رحمت آور و هیچ کس دیگر را به همراه ما شامل مهر و بخشایش و رحمت قرار مده.

هنگامی که پیامبر نماز را به پایان برده فرمود: هان ای بنده خدا! تو آنچه را گسترده و بی کرانه است، تنگ و محدود ساختی. مهر و رحمت خود را برای کسانی می نویسم که از شرک گرایی و دست یازیدن به گناهان بزرگ دوری می جویند.

۳-۴ عدم عطایای الهی به امور مادی

«واستجیب به دعوتنا و اعطنا و سولنا و بلغنا به من الدنيا و الاخره املنا اعطنا به فوق رغبتنا»؛ و در خواست های ما به حق وجود مقدسش عطا فرما و ما را به حق حضرتش به آرمان های دنیا و آخرتمان برسان و بیشتر و افزونتر از رغبت و میل ما به برکت آن حضرت به ما عطا فرما.

۱. انعام: ۲۵۴.

۲. طبرسی، تفسیر مجمع البیان، ج ۹ و ۱۰، صص ۱۵۱-۱۵۲. ۱

گروهی می گویند: پرودگارا به ما در دنیا (نیکی) عطا کن و در آخرت (نیکی) مرحمت فرما و ما را از عذاب آتش نگاهدار: «و منهم من يقول ربنا آتنا فی الدنيا حسنه و فی الاخره حسنه و قنا عذاب النار».

در حقیقت، این قسمت از آیات، اشاره به خواسته های مردم و اهداف آن ها در این عبادت بزرگ است. بعضی، جز به مواهب مادی دنیا نظر ندارند و چیزی غیر از آن را از خدا نمی خواهند. بدیهی است آن ها در آخرت از همه چیز بی بهره اند. ولی گروهی، هم مواهب مادی دنیا را می خواهند و هم مواهب معنوی را بلکه زندگی دنیا را نیز به عنوان مقدمه تکامل معنوی می طلبند و این است منطق اسلام که هم نظر به جنس و ماده دارد و هم جان و معنا و اولی را زمینه ساز دومی می شمرد و هرگز با انسان های یک بعدی، یعنی آن ها که در مادیات غوطه ورنند و برای آن اصالت قائلند، یا کسانی که به کلی از زندگانی دنیا بیگانه اند سازگار نیست.

در این که منظور از « حسنه» در این آیه چیست؟ تفسیرهای مختلفی برای آن ذکر کرده اند. در روایتی از امام صادق علیه السلام به معنی وسعت رزق، حسن خلق در دنیا و خوشنودی خدا و بهشت در آخرت تفسیر شده است: «انها السعه فی الرزق والمعاش و حسن الخلق فی الدنيا و رضوان الله الجنه فی الاخره».

و بعضی از مفسران آن را به معنی علم و عبادت در دنیا و بهشت در آخرت یا مال در دنیا و بهشت در آخرت یا همسر خوب و صالح در دنیا و بهشت در آخرت دانسته اند.

بدیهی است « حسنه» به معنی هرگونه خیر و خوبی است و مفهومی وسیع و گسترده دارد که تمام مواهب مادی و معنوی را شامل می شود. بنابراین، آنچه در روایات فوق یا کلمات مفسران آمده است بیان مصداق های روشن آن می باشد و مفهوم آیه را محدود نمی کند.

۵

۲-۴. راه جبران غرامت مادی و معنوی

« و اقض به عن مغرمنا»؛ (بدهی هامان را ادا کن).

بنابر تأکید قرآن انسان همواره در زیانکاری و خسران است: «ان الانسان لفی خسر» و بسیاری از نعمات الهی و فرصت ها را از دست می دهد که خیلی اوقات جبران آن را هم پیدا نمی کند مثلاً عمر گرانبه را از دست می دهد یا مبتلا به آرزوهای غیر عملی و تبعیت از هوی و هوس می شود.

اما در دولت کریمه امکانی فراهم می آید تا انسان های عصر ظهور بتوانند مزه ی زندگی و حیات طیبه را در محضر امام معصوم پیدا کنند، لذا در این فرازا دعا می کنند که بارالها! با ظهور حضرتت قصور و غرامت های ما را جبران فرما و طعم بندگی و ایمان را به ما بچشان که مردم در عصر ظهور به معنویت و بندگی بیشتر روی می آورند.

یعنی در دولت مهدوی فقر مادی و معنوی جبران می شود و افراد به حیات الهی و طیبه می رسند.

« عن امیر المومنین (علیه السلام): فیبعث المهدی... و یقبل الناس علی العباده و المشروع و الدیانه و الصلاه فی الجماعات » حضرت علی (علیه السلام) می فرمایند: در روزگار مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) مردم به عبادت و دین روی می آورند و نماز را به جماعت برپا می کنند.

عن علی (علیه السلام): « اذا قام قائمنا لذهب الشحاء من قلوب العیاد».

۱. طبرسی، تفسیر مجمع البیان، ج ۱، ص ۲۷۹.

۲. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲، صص ۸۳- ۸۲.

۴. برنامه های حکومت جهانی

۴-۱ بصیرت دینی و احیای سنت پیامبر (صلی الله علیه وآله)

« اللهم اظهر به دینک و سنه نبیک حتی لا یتستخفی بشیء من الحق فحافه احد من الخلق »؛

خدایا به دست او (مهدیت) دینت را و نعمت پیغمبرت را آشکار ساز تا آنکه دیگر چیزی از حق و حقیقت از خوف احدی از خلق مخفی نماند.

بیا بیا که کتاب خدا ست بی تو غریب کجاست دانش بی دانشان، کتاب کجا

همه انسان ها به معارف ناب الهی نیازمندند و برای بصیرت یافتن در دین نیز به امام وابسته اند و فیض کاشانی آشنایی بیشتر با حلال و حرام خدا در پرتو حضرتش خواهد بود. در دعای ندبه به آن حضرت خطاب می کنیم: « این یحیی معالم الدین و اهله »؛ کجاست آن که معالم و معارف دین و اهل دین را زنده می کند. منتظر به خوبی می داند که بدون شناخت صحیح و دقیق دین نمی تواند به وظایفی که در قبال خداوند و حجت او دارد، به درستی جامه عمل بپوشاند، کسانی که صرفاً به ظواهر دین می پردازند و در تطبیق اعمال و عباداتشان با حکم شرع و دستورهای خداوند بی توجهی می کنند به جای کمک به امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، آن حضرت را رنج می دهند.

خود حضرت از دینداران ضعیف و بی توجه بدین گونه شکایت می نماید: « قدأذانا جهلاء الشیعه و حمقائهم و من دینه جناح البعوضه ارجح منه »؛ بدون شک شیعیان جاهل و کم خردان آنها و کسانی که بال پشه از دین آنها محکم تر است، ما را آزار می دهند.

بنابراین منتظر نهایت بینش و بصیرت خود را به کار می گیرد تا آنچه را که در دین نیست، به اسم دین نپذیرد و آنچه را در دین است، رها و طرد نسازد و در این راه از علمای ربانی کمک می گیرد.

نتیجه گیری

دعای افتتاح یکی از دعاهایی است که دارای مضامین عالی و بلند است و مستحب است در هر شب از ماه مبارک رمضان خوانده شود.

هدف انسان در دنیا تقرب الهی است که به وسیله ی دعا و نیایش حاصل می شود که از جمله ی آن دعاها، دعای افتتاح است و برای بهره مندی درست از دعای افتتاح باید با معارف و مضامین این دعا آشنایی پیدا کرد که چنین چیزی ضرورت این تحقیق را می رساند.

معارف دعای افتتاح سه محور را در برمیگیرد:

۱. اعتقادی (توحید ذاتی، صفاتی، افعالی) .
 ۲. اجتماعی (احیا و گسترش امر به معروف و نهی از منکر، عزت اسلام و مستضعفین و ...).
 ۳. سایر موارد (حرکت جهادی، اقدام به کار کردن برای تعجیل در فرج و ...).
- و در آخر به این نتیجه می رسیم که دعای افتتاح دعایی بسیار مفید از جهت معنوی می باشد که انسان را در رسیدن به هدف والا و بلند مرتبه ی خود یاری می کند.

فهرست منابع

* قرآن کریم

۱. بالادستیان، محمد امین، یوسفیان، مهدی، درسنامه دوره عمومی معارف مهدویت نگین آفرینش (۱)، تهران: نشر بناد فرهنگی حضرت مهدی موعود، چاپ پنجاه و هفتم، ۱۳۹۲ هـ.ش.
۲. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، تصنیف **غررالحکم و دررالکرم**، ج ۱، قم: دفتر تبلیغات، بی تا.
۳. حسینی تهرانی، محمد حسین، **شرح فقرانی از دعای افتتاح**، چاپ اول، بی جا: ناشر مکتب وحی، ۱۳۹۵ هـ.ش.
۴. حکیمی، محمدرضا، **خورشید مغرب**، چاپ بیست و پنج، قم: نشر دلیل ما، ۱۳۸۲ هـ.ش.
۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، **مفردات الفاظ قرآن کریم**، مترجم: حسین خدا پرست، قم: دفتر نشر نوید اسلام، ۱۳۸۷ هـ.ش.
۶. زمردیان، احمد، **بیان حقیقت**، چاپ سوم، شیراز: کتاب فروشی اسلامیة، ۱۳۶۲ هـ.ش.
۷. سبحانی، جعفر، **سیمای عقاید شیعه**، مترجم: جواد محدثی، چاپ اول، تهران: نشر مشعر، ۱۳۸۶ هـ.ش.
۸. عبدالمهدی، مهدی، **خداشناسی**، چاپ اول، بی جا: انتشارات کانون اندیشه جوان، ۱۳۸۹ هـ.ش.
۹. غفرانی، محمد، **قاموس عصری**، تهران: ناشر موسسه الهدی للنشر والتوزیع الدولی، دارالحياء التراث العربی ۱۳۸۶ هـ.ش.
۱۰. فضل ابن حسن، طبرسی، تفسیر مجمع البیان، ج ۱۰ و ۹ و ۱، چاپ اول، تهران، بی تا، ۱۳۷۸ هـ.ش.
۱۱. قرائتی، محسن، **شرح دعای افتتاح**، اصفهان: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود، بی تا.
۱۲. قرشی، اکبر، **قاموس قرآن**، جلد ۱ و ۲، تهران: ناشر دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۱ هـ.ش.
۱۳. مکارم شیرازی، ناصر، **تفسیر نمونه**، ج ۲، تهران: دارالکتب اسلامی، ۱۳۷۵ هـ.ش.